



سال اول - شماره ۹۵ - دوشنبه ۲ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۵ رسال

در این شماره:

- ایران، ترکیه یا لبنان...؟
- در شهرستانها چه می‌گذرد...؟
- شاه‌هم می‌خواست جلوی فعالیت مجاهدین را بگیرد.
- امام جمعه‌ی بابل خواندن یک نشریه‌ی ضد انقلابی را توصیه می‌کند!

با اعدام نویسنده‌ی مبارز میرزا جهاگیر خان شیرازی مدیر نشریه‌ی صورا سرافیل و سخنگور آگاه و روحانی شجاع ملک‌المتکلمین در فردای روزیه توپ بستن مجلس با زهم خون یک روشنگر مبارز و یک روحانی آزادیخواه، در آستان آزادی بر زمین می‌ریخت تا آن‌لا اله‌های سرخ‌رهای روید.

سر مقاله:

سر منشاء چماق!

مجاهدین خلق ایران بار دیگر برای افشای سرچشمه‌های اصلی چماق‌داری تقاضای یک برنامه‌ی رادیو تلویزیونی می‌کنند.

چنان که پیش بینی کرده بودیم برای لوث کردن آثار احتساب - ناپذیر اجتماعی و سیاسی جریان آقای آیت و منحرف بودن موج، بار دیگر آقایان به قول خودشان "آریالا" به فلسفیهایی حول چماق و چماق‌داری پرداخته و مجاهدین را به عنوان مسئول چماق‌داری و برادر مجاهدان مسعود را به عنوان رهبر چماق‌داران!! معرفی می‌فرمایند. ناگفته پیداست که این تشبیهات مذبح‌سازانه به هیچ وجه مفید کمترین فایده‌ای نیست و چرا با یک پورخند سراسری به همه‌ی آبهائی که در مراد چماق‌داری فرورفته‌اند مواجه نخواهد شد.

البته این مطلب که اکنون چماق‌داری به ساله‌ی روز تبدیل شده و تنفر عمیق توده‌های مردم را برانگیخته است به خودی خود برای انقلاب و مکتبی که می‌رفت از طریق چماق همین آقایان در ذهن جوانان پرشور انقلابی خدش‌دار شود، یک پیروزی است. یک پیروزی انقلابی و مکتبی که الیتمار هم به بهانه‌ی سگین از شهادت و جراحی پلاستیکی و رشیدترین فرزندان این مبین حاصل شده است. دست و پا زدن‌های مذبح‌سازانه و فلاکت‌بار برای تیری حش از گناه چماق‌داری نیز از نتایج همین پیروزی است. پس بگذار مار هم حضرات نویسنده که "نیروهای خط امام، اعم از روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، مجاهدین انقلاب و..." پدیده‌ی چماق‌داری را یک پدیده‌ی مصنوعی می‌دانند که هم از سوی نیروهای به اصطلاح مترقی و هم از ساواکی‌ها برای آریین بردن هویت اسلامی انقلاب بوجود آمده است"

و ما می‌گوئیم که:

اولاً- بسیاری از روحانیون مبارز و سپاهیان رحمتکش تا آنجا که ما می‌دانیم هرگز پدیده‌ی چماق‌داری را مصنوعی ندانند و قویا سیر آن را محکوم گردانند و سایرین ستر است که آقایان جمهوری خواهان جدید بگذارند که آنها خودشان حرفشان را بزنند.

ثانیاً- قایم شدن ناخواندانه در پس نام امام و حرکات الله و خط امام و فراکسیون امام و حزب امام دیگر اثر ندارد! و به نظر می‌رسد که حرف‌های فرزند امام در مورد جریان امجدیه به خوبی روشنگر این معنا باشد. از سوی دیگر تلقی آقایان از امام و خط امام در همان نوارهای آقای آیت به خوبی روشن است و دیگر محالی برای استمرار این گونه سو استفاده‌ها نیست. الا این که تکرار کنیم که خود شما کسانی بودید که همین چند ماه پیش قایم شدن پشت سر مراجع تقلید را نادرست خواند و موقفاً صای انحلال این گونه روش‌ها و کرده‌های آنها را نیز نمودید! که اگر لااقل به منطق خودتان پای بند باشید فوراً باید خود را منحل کنید. (البته تصریح کنیم که مجاهدین خلق ایران چنین پیشنهاد و تقاضائی ندارند و ترجیح می‌دهند که شما با زهم با استفاده از حقوق قانونی‌تان در قانون اساسی، در جریان پیشرفت انقلاب بیش از پیش ماهیت خود را به نمایش بگذارید.)

ثالثاً- این که نیروهای چماق‌داری را یک پدیده‌ی مصنوعی تلقی کنند هیچ شگفتی ندارد. این که چیزی نیست قبل از شما سیر حتی می‌تسیدیم که طاعتیان وجود شکنجه و رندانی سیاسی را نیز اساس بقیه در صفحه ۲

وحشت

دست اندر کاران رادیو

از چیست؟

یک جناح مملوم الحال در رادیو، ضمن ادعای اهداف ضد انقلابی و نرفه‌افکنانه‌ی خود، از هیچ فرصتی برای سبائی و دشمنی با "مجاهدین" فروگذار نمی‌کند. منحل در نقد مطبوعات تنه در یک برنامه‌ی سراپا سخن و با سزا علیه مجاهدین، با دوختن

آقایان اسلام‌پناه!! اگر واقعا ریگی در کفش ندارید، اگر انشاء الله در گذر شده در خط انقلاب و اسلام!! بوده‌اید، چه وحشتی از گفتن سوابق سیاسی‌تان دارید و چرا اینقدر از آن طفره می‌روید؟

روحانیت معصود و اصل می‌دانند، معقدند که باید با عوامل درگیری خمائنی تدبیرا برخورد نمود و با سرهم کردن این تحریفات و جعلیات نتیجه گرفته‌اند که: "به این سبب مجاهدین عامل دامن زدن به بحران‌ها هستند!" و در ادعای برنامه در پاسخ سوال ما مبنی بر

"استبداد صغیر"

محصول توطئه‌ی مشترک استعمار و ارتجاع

به مناسبت سالروز به توپ بستن مجلس و اعدام دو آزادیخواه دلیر: ملک‌المتکلمین و صورا سرافیل

هنوز دو سال از امضای مشروطیت نگذشته بود که در دوم بهمن ماه ۱۲۸۷ (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ و ۲۳ زوش ۱۹۰۸) مجلس شورای ملی، که سره‌ی خون شهدای مشروطه بود، به دستور محمدعلی‌شاه دست خلدان شاه به قتل رسیدند. با گلوله باران مجلس و سرکوب و قتل و اسارت آزادیخواهان، کودتای شاه ارتجاع درباری به ثمر رسید و دوره‌ی یکساله‌ی "استبداد صغیر" آغاز گشت.

هرچائی و هر مقامی سر زدن و به هر کسی نامه نوشتند. علیرغم بی- نتیجه‌ماندن اقدامات قانونی‌شان باز هم بدینال راه حلی جهت کنت و پس گرفتن زمین‌های خودشان از فتوادل‌ها بودند تا اینکه پس از آخرین نامهای که در تاریخ ۵۹/۱/۷ به سنا پاسداران می‌نویسند، در تاریخ ۵۹/۱/۸، ۵۹/۱/۸، ۵۹/۱/۸، یک شورای دهگانه‌ی تشکیل می‌دهند و ضمن صورجلسه کردن مذاکرات و تقیه در صفحه ۳

غول استبداد زخم خورد اما در کمین

فقول مشروطه از جانب مظفر- الدین‌شاه، اگرچه برای جنبش گامی به جلو بود، ولی هرگز به معنای تثبیت مشروطیت و پیروزی کامل آن نبود. هنوز ارتجاع فتوادل‌ی از زمینه‌های محکم اقتصادی و سیاسی برخوردار بود و حتی با عوض کردن پوست، نفوذ در صف مشروطه‌خواهان بوانسد بود جای پای خودش را نسبا محکم کند. در اینجا تنها یک جریان انقلابی می‌بوانست با تقیه در صفحه ۲

ممانعت امپریالیستها از چاپ

و پخش مجاهد در امریکا

● امپریالیستها گمان می‌کنند که می‌توانند جلوی نشر افکار مجاهدین خلق را که حاوی پیام اسلام راستین است در امریکا بگیرند.

صدانقلابیون ایرانی، سهیلات فراهم می‌کنند! به این ترتیب، یادوهای امپریالیستها گمان می‌کنند که می‌بوانند به لطافه‌انحیل، جلوی نشر افکار مجاهدین خلق را که حاوی پیام اسلام راستین است، در امریکا بگیرند. البته این اولین بار نبوده تقیه در صفحه ۲

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های امریکا گزارش می‌دهد که در ماه‌های گذشته تعدادی از چاپ خانه‌های آن کشور سه بهانه‌های مخلف، در کشور "پاسدار جهان آزاد!" از چاپ "مجاهد" بزبان انگلیسی خودداری می‌کنند و این در حالی است که خود این چاپ-خانه‌ها برای چاپ جزوات و نشریات

مردم‌گرائی توحیدی و مردم‌گرائی مبتذل (۱۱)

ارتش خلق: بازوی اجرائی جنگ توده‌های

ارتش خلق مناسب‌ترین شکل و سازمان نظامی است که قادر می‌باشد حداکثر گسترش توان جنگی خلق را در یک نبرد توده‌ای نامین نماید.

می‌داند، لذا فیر انقلابی مطابق این نظرگاه آنها از طریق سازماندهی و مسلح کردن تمام خلق قابل اعمال خواهد بود. به تعبیر روس-بر "شکل" و سازمان نظامی که قادر است حداکثر گسترش توان جنگی خلق را در یک نبرد توده‌ای نامین نماید، "ارتش خلق" است، که مبنی بر تسخیر نیروهای مسلح خلق در تمام اشکال نمود است. ارتش خلق در همه‌ی اشکال آن (دسجحات شبه‌نظامی، سازمان‌ها، دسجحات مسلح منطقه‌ای و واحدهای مسلح منظم)، به طور کلی تقیه در صفحه ۳

صد خلقی، ارتش وسیله‌ی اجرائی هدف‌های سیاسی طبقه‌ی حاکم است که به مابده‌ی مابین نظامی دولت، و طبقه‌ی سرکوبی خلق و سازمان دادن فیر ارتجاعی مسلحانه را بر عهده دارد. برعکس، هدف ارتش انقلابی خلق، خدمت به مقاصد عالی انقلاب

کفیم که در جنگ اگرچه سلاح و تجهیزات عامل مهم و غیر قابل چشم‌پوشی است، لیکن عامل تعیین کننده "انسان" است. از سوی دیگر، اگر ارتش هر سیستمی را، سازمان نظامی آن سیستم بدانیم، می‌بوان گفت که شکل‌بندی (فرماسیون) آن دقیقاً به ماهیت طبقاتی و محتوا و هدف‌های سیاسی آن سیستم وابسته است. به عبارت دیگر، سازمان نظامی در هر نبرد، پیوسته با خلعت و هدف آن نبرد رابطه‌ی ارگانیک داشته و از نوع آن می‌باشد. به عنوان مثال، در یک رژیم

سر منشاء چماق!

در ایران منکر می‌شدند. ارتش از هزاری نیز که یادتان هست؟ او مدعی بود که اصلاً قضیه تظاهرات و فریادهای الله اکبر مصنوعی و نو است، و هر چه هم توده‌های مردم فریاد می‌زدند که از هزاری بیچاره، نواری که پا ندارد!! به خرش نمی‌رفت و می‌گفت مصنوعی است که روزنامه‌ی انقلاب اسلامی رو شد که پا در آورد و ماهیتان را به درون توده‌های مردم برد (وانگهی شما که چماق‌داری را پدید می‌دانید می‌دانید دیگر چرا به جستجوی مسئولان این پدیده "توهمی" پرداخته و رهبر هم برای آن معرفی می‌نمائید؟! آخر دم خروس را باور کنیم یا قسم شما؟

رایجاً اگر چنانچه می‌فرمائید و درست‌هم می‌فرمائید که ساواکی‌ها تیر در قضایای چماق‌داری دخیلند (که این که مجاهدین بارها اعلام کرده‌اند که چماق‌داران شما مجرای نفوذ ساواک و سیا نیز هستند) اکنون این سوال ایجاد می‌شود که چرا علیرغم این همه کشته‌ها و زخمی‌های مجاهدین برای نمونه نیز حتی یکبار ساواکی‌ها به سراغ شما و مراسم‌تان و دفاترتان نیامدند؟ واقعا چرا؟! یا به دلیل این که بر علیه نیروهای انقلابی متابعت‌ها و اطلاعات مدون و نامدون دارید؟ خامساً راستی مگر کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب و... پس چرا نفوذ شما نیست و در آن دست ندارید؟ بسیار خوب، پس زیرا مباحثان و چماق‌داران را علیرغم آن همه شکایات و حتی افشاکاری‌های ما دستگیر نمی‌کنید؟! در دو حال خارج نیست یا بنا به همان ضرب‌المثل قدیمی چاقو نمی‌تواند دسته خود را ببرد و یا بازم پدیده‌ها را اساس مصنوعی و توهمی است.

سادساً چرا نمی‌گذارید به رغم دهها وصدها بار تقاضا، مجاهدین بیایند و سرچشمه‌ی چماق‌داری را افشا کنند؟ راستی از چه می‌ترسید؟! برقی حقیقت؟! اگر اینطور است حق دارید.

اینجاست که شاید مردم ما تعجب‌کنند که در اواخر ۲۴ دقیقه نظرخواهی تلویزیون از برادر مجاهد ما موسی چه تلاش‌هایی برای خنثی نمودن آثار آن از پیش صورت گرفته است. حتی شنیده‌ایم (و شاهد هم داریم) که چند روز بعد از آمدن چند نفر در همان حوالی به عنوان مشاخصان معمولی و یا پاسدار در صحنه جازمان تا "در پس آئینه، طوطی صفت، آنچه استبداد چماق‌داری گفتند بگو، بگویند" در خاتمه سخن هم داریم با برادران انجمن اسلامی مسجد ابوالحسن در خیابان ۱۷ شهرویر ایستگاه خرابات که اخیراً از رئیس جمهور و نمایندگان ارگان‌های مختلف مملکتی و مجاهدین برای بحث آزاد پیروان "حقایق تلخ ما مجرای احدیه" دعوت نمودند. البته ما این برادران را از سردیک نمی‌شناسیم و چون اعلام می‌آید آنها را در روزنامه‌ها دیدیم تاگزیر از همین طریق به آنها و به تمام خواستاران روشن شدن حقایق تلخ ما مجرای احدیه پاسخ می‌دهیم که: خواهان و برادران برای یک روشنگری واقعی مقدما از این تقاضای حقه‌مان برای یکی دو ساعت روشنگری در تلویزیون که طبعاً فرصت قضاوت برای عموم ملت ایران را فراهم خواهد نمود، حمایت کنید. در این صورت با مدارک و نواهدی که به عرض تمام مردم ایران خواهد رسید سرچشمه‌ی تاریک چماق‌داری روشن شده و در روشنائی حقیقت هیچ جایی برای "تلفه‌هایی" های رایجی و توهمی و "مصوغی" (چنان که عده‌ای می‌خواهند) نخواهد ماند.

هشباری سیاسی خود را حفظ کنیم!

به طوری که قبلاً گفته‌ایم برای در آمدن از مخصصه بر سبیل سنت ناصرالدینشاهی "دراز کردن حکیم باشی" به میان کشیدن پای طرف ثالث و مطرح کردن مسائل انحرافی یکی از پیش‌پا افتاده‌ترین روش‌هاست. اکنون باید دید که حزب حاکم بر سبیل این سنت به چه ترفند‌های دیگری ممکن است متوسل شود.

ممانعت امیر یالیستها از چاپ و پخش...

که پادوهای امیر یالیست‌ها جهان‌خوار، محدودیت‌های آنجنانی را برای هواداران ما ایجاد کردند. به عنوان مثال، حدود دو ماه پیش، در مورد خود روزنامه‌ی "مجاهد" نیز دچار چنین بوهمی شده بودند. قضیه از این قرار بود که مانند چند نسخه روزنامه‌ی "مجاهد" برای هواداران ما در امریکا، می‌فرستادیم و بعد خود هواداران به میزانی که لازم بود، از طریق چاپ اقدام به تکثیر روزنامه می‌کردند. ولی از وقتی که چاپخانه‌داران بی به محوای خودداری کردند، ما به حال خود، مانع انتشار و گسترش ایدئولوژی مجاهدین در میان ایرانیان مقیم امریکا شویم. اما کوردلان همواره از این حقیقت غافلند که جریان تکاملی همواره راه خود را از میان موانع و دست‌های بیرونی هواداران تکثیر

وحشت دست‌اندرکاران رادیو

از چیست؟

حمایت از چماق‌داری که بنا بر اسناد و مدارک ما، کانال نفوذ ساواک و سا هستند، جدی‌تر از می‌رساند جز اینکه بگوئیم باندضد انقلاب در رادیو نیز لانه کرده و فعلاً مشغول فراهم آوردن زمینه‌های سرکوب انقلابیون است؟ بگذارید تصریح کنیم که ما نسبتاً حمله‌کنندگان به اجتماعات را عوامل ارتجاع، بلکه عوامل مستقیم ساواک و سیا نیز می‌دانیم و مستقیم هرگز از آنها آگاهانه و یا ناآگاهانه حمایت‌کنند، آ با به این ترتیب آقایان می‌گویند... "ما در این ترتیب از آقایان می‌گویند... ضمن حمله به مجاهدین، از یک طرف به توجیه پدیده‌ی ضدانقلابی چماق‌داری پرداخته و از طرف دیگر، از زیر بار روشن شدن سوابق آنجانی خود شانه خالی می‌کنند. آنان در این برنامه کوشیده‌اند تا با حمل و تحریف نقطه نظرات مجاهدین، مرزهای روحانیت مرفعی و انقلابی، و روحانی نمایان مرجع را محدود و نامید و آنگاه با مخفی شدن پشت سر روحانیت مرفعی، آنها و چماق‌داران و سایر مرجعین را در یک خط و در مقابل مجاهدین قرار دهند. و با این زمینه‌سازی، باران چماق دست خود را که این روزها شدیداً زیر فشار و جدان اجتماعی قرار گرفته‌اند، از پس بست برهانند. نیازی به تذکر نیست که مردم ما به خوبی فرق بین روحانیت مرفعی و معتمد را (که بقول برادر مجاهد‌مان مسعود رجوی "هیچکس نمی‌تواند نقش ارزنده‌ی آنان را در جریان انقلاب نادیده بگیرد) با آقایان هیئت‌کنندگان کداسی و کداسی که علناً و پنهاناً با بر مجاهدین ترجیح می‌دهند، تشخیص می‌دهند.

البته ما از این آقایان بیش از این نظاری نداریم ولی این سوال برای همه مردم وجود دارد که راستی رادیویی که از بیت‌المال مردم اداره می‌شود و به همّت انقلابیون آزاد شده است، اکنون در چه خطی گام برمی‌دارد؟ چرا با تفرقه‌اندازی و ضدیت همسریک با نیروهای انقلابی آگاهانه آب بقساب امیر یالیست می‌ریزد؟ چرا در شرایطی که همه‌ی مقامات و شخصیت‌های مملکتی، از چماق‌داری بعنوان یک آفت اجتماعی یاد می‌کنند و همه‌ی مردم نیز از آن به سوه آمدند، گردانندگان رادیو سعی می‌کنند آنها را تحت لوای مردم و روحانیت مرفعی بظهور آورند و مشروعیت بخشد؟ و آتش‌بازی فعلی را به گردن ما بیاندازند و ما را بخاطر مرجع خطاب کردن چماق‌داران، به باد فحش و ناسزا بگیرند؟

جانب است که حضرات سوال ما را برامنی برخواستند سوابق سیاسی-شان بعنوان یکی از شروط شرکت در مناظره‌ی باصطلاح ایدئولوژیک! "به انحراف کشاندن یک بحث" خوانده و از فرط سرورگار داشتن مداوم ما، خرید و فروش و "استخدام"، برسد ما را مگر می‌خواهد ما را استخدام کند؟

خبر آقایان، ما می‌خواهیم شمارا با حکم انقلابی بیازمائیم. ما می‌خواهیم که مردم ما بهیت ساواک اینقدر برای انقلاب و اسلام سینه جاک می‌دهید و با سوه استفاده از بیت‌المال مردم روز و شب مشغول سهم و افسار زدن به انقلابیون جان برکف هستید، خوب نشناسید ما می‌خواهیم مردم بدانند که کسانی که همه‌ی رسالت خود را در خدمت با مجاهدین می‌دانند، آن زمان که دم زدن از اسلام و انقلاب مستلزم خون و عکجه و زندان بود، کجا شریف داشتند به چه کسانی خدمت می‌کردند و از کجا ما ساعدت طلب می‌نمودند. و خلاصه ما می‌خواهیم مردم بخوبی بدانند که این حامیان دروغین اسلام و انقلاب، همان کسانی هستند که در زمان طاغوت سنگ سلیم و خدمت در دفاستر فرج و امثالهم را بر شرف انسانی و زندگی شرافتمندانه و حداقل حتی ترجیح دادند، وانگهی آنرا که حساب پاکاست، از محاسبه‌ی جاک است؟ آقایان اسلام‌پناه! اگر واقعاً رنگی در کفش ندارید، اگر انشاء الله در گذشته در خط انقلاب و اسلام! بوده‌اید، جد و جوی از گفتن سوابق سیاسی‌تان دارید و چرا اینقدر از آن طفره می‌روید؟ نکنند از سر نفوی و ایمان؟! بیم آن دارید که ما آن همه سوابق درختان! و سلیم طلبی و کسب مساعدت از ساواک، موجب ریا و خودنمایی بشود؟! *

"استبداد صغیر"...

نکته بر نیروی آماده‌ی نوده‌ها و بسج سیاسی - نظامی آنها بر علیه استعمار و مزدوران داخلی و نیز شخص کردن صف جنس از صدجنس و تصفیه‌ی جنس از عناصر و جریانهای وابسته و ارتجاعی، بتدریج پایه‌های ارتجاع را برکشد، مشروطه را جایگزیند.

فقدان جنس رهبری (بخصوص در تهران)، زمنی کودتای محمد علیشاه و حاکمیت محمد ارتجاع را - که از طرف استعمار نزاری نیز کاملاً حمایت می‌شد آماده ساخت. محمد علیشاه، پس از ناچگذاری بتدریج بنای خودکامگی و مخالفت با مشروطه و مجلس را گذاشت. او حتی بیترمانه مدعی شد که پدرش، به هنگام صدور فرمان مشروطه، در حال طبیعی نبوده و لذا امضای او مخدوش و بی اعتبار است!

البته هویشاری و آمادگی مردم - بخصوص در گیلان و آذربایجان- مانع از یکماری شاه و دربار بود. مردم نیز به دلیل برخورداری از یک رهبری مردمی، از سادات ارتجاعی شاه آگاه و نسبتاً مستنک و مسلح بودند. در ذی الحجه سال ۱۳۲۴، شهر را تعطیل کرده و اعلام داشتند تا رسیدگی به خواسته‌های زیر، دست از اعراس بر نخواهند داشت:

- ۱ - شاه کبنا مشروطه را نایند کند.
- ۲ - بغداد ووزرا از هفت تن زیادتر نباشد، ماسیس هر وزارتخانه باید به تصدیق مجلس برسد.
- ۳ - عوامل بیگانه در کابینه و دولت (متخله مسیو نور وزیر گمرکات) عزل شود.
- ۴ - بواسطه قانون اساسی به وسلسله نون سیم رفع گردد.
- ۵ - شاهزادگان از وزارت مسوع شوند.
- ۶ - ...
- ۷ - ...

بست و هفتم همین ماه، شاه تحت فشار افکار عمومی محور شد طی دستخطی، مشروطه و مجلس را به رسمیت شناسد. او علل خود را در این امر اینچنین توجیه کرده بود: "... منتهی ملاحظاتی که دولت داده این بوده‌است که قوانین لازمه برای انتظام وزارتخانه‌ها و دوایر حکومتی و محاسن سلسله، مطابق فرغ محمدی صلی الله علیه وآله، نوسه، و آویست به موقع اجرا گذاشته شود. مشروطه: "می‌خواهند کار را با استبداد و خودکامگی را، با نهانه و بوتس "سرع محمدی (ص)، بر مردم تحمیل کنند. البته او در این کار سنیها نبود. علم کردن "مشروطه" در مقابل "مشروطه"، حکم تکثیر آزادی-خواهان را بدعوای بایی و بی دین، صادر می‌کردند و خواسته و ناخواسته، در خط شاه او اربابان کام می‌زدند.

چماق محمد علیشاهی بر فرق آزادی خواهی

وجود آزادبخواهان نسپوانست مانعی بر سر اجرای فرار داد تنگس ۱۹۰۷ (که ایران را منطقی نمود و قدرت استعماری روسیه نزاری و انگلیس می‌کرد) نباشد. این ساله و مسائل دیگری از قیل کم شدن مواجب سالیانه‌ی دربار از طرف مجلس، ارتجاع و اساسی درباری را بر آن داشت که کار مشروطه را بکشد. اولین سناحم کسبرده‌ی محمد علیشاه بر علیه آزادبخواهان در آذرماه ۱۳۲۶ (ادامه دارد)

بقیه از صفحه اول

نکته بر نیروی آماده‌ی نوده‌ها و بسج سیاسی - نظامی آنها بر علیه استعمار و مزدوران داخلی و نیز شخص کردن صف جنس از صدجنس و تصفیه‌ی جنس از عناصر و جریانهای وابسته و ارتجاعی، بتدریج پایه‌های ارتجاع را برکشد، مشروطه را جایگزیند.

فقدان جنس رهبری (بخصوص در تهران)، زمنی کودتای محمد علیشاه و حاکمیت محمد ارتجاع را - که از طرف استعمار نزاری نیز کاملاً حمایت می‌شد آماده ساخت. محمد علیشاه، پس از ناچگذاری بتدریج بنای خودکامگی و مخالفت با مشروطه و مجلس را گذاشت. او حتی بیترمانه مدعی شد که پدرش، به هنگام صدور فرمان مشروطه، در حال طبیعی نبوده و لذا امضای او مخدوش و بی اعتبار است!

البته هویشاری و آمادگی مردم - بخصوص در گیلان و آذربایجان- مانع از یکماری شاه و دربار بود. مردم نیز به دلیل برخورداری از یک رهبری مردمی، از سادات ارتجاعی شاه آگاه و نسبتاً مستنک و مسلح بودند. در ذی الحجه سال ۱۳۲۴، شهر را تعطیل کرده و اعلام داشتند تا رسیدگی به خواسته‌های زیر، دست از اعراس بر نخواهند داشت:

- ۱ - شاه کبنا مشروطه را نایند کند.
- ۲ - بغداد ووزرا از هفت تن زیادتر نباشد، ماسیس هر وزارتخانه باید به تصدیق مجلس برسد.
- ۳ - عوامل بیگانه در کابینه و دولت (متخله مسیو نور وزیر گمرکات) عزل شود.
- ۴ - بواسطه قانون اساسی به وسلسله نون سیم رفع گردد.
- ۵ - شاهزادگان از وزارت مسوع شوند.
- ۶ - ...
- ۷ - ...

بست و هفتم همین ماه، شاه تحت فشار افکار عمومی محور شد طی دستخطی، مشروطه و مجلس را به رسمیت شناسد. او علل خود را در این امر اینچنین توجیه کرده بود: "... منتهی ملاحظاتی که دولت داده این بوده‌است که قوانین لازمه برای انتظام وزارتخانه‌ها و دوایر حکومتی و محاسن سلسله، مطابق فرغ محمدی صلی الله علیه وآله، نوسه، و آویست به موقع اجرا گذاشته شود. مشروطه: "می‌خواهند کار را با استبداد و خودکامگی را، با نهانه و بوتس "سرع محمدی (ص)، بر مردم تحمیل کنند. البته او در این کار سنیها نبود. علم کردن "مشروطه" در مقابل "مشروطه"، حکم تکثیر آزادی-خواهان را بدعوای بایی و بی دین، صادر می‌کردند و خواسته و ناخواسته، در خط شاه او اربابان کام می‌زدند.

چماق محمد علیشاهی بر فرق آزادی خواهی

وجود آزادبخواهان نسپوانست مانعی بر سر اجرای فرار داد تنگس ۱۹۰۷ (که ایران را منطقی نمود و قدرت استعماری روسیه نزاری و انگلیس می‌کرد) نباشد. این ساله و مسائل دیگری از قیل کم شدن مواجب سالیانه‌ی دربار از طرف مجلس، ارتجاع و اساسی درباری را بر آن داشت که کار مشروطه را بکشد. اولین سناحم کسبرده‌ی محمد علیشاه بر علیه آزادبخواهان در آذرماه ۱۳۲۶ (ادامه دارد)

ارتش خلق: بازوی ...

بقیه از صفحه اول

تظاهر و تجلی خلق بسیج شده و مسلح می‌باشد. تمام ضوابط، شیوه‌ها و مناسبات ارتش خلق منعکس کننده ماهیت انقلابی آن بوده و مبتنی بر آگاهی سیاسی، انضباط آگاهانه و ابتکار و روحیه خلاق افراد آن می‌باشد.

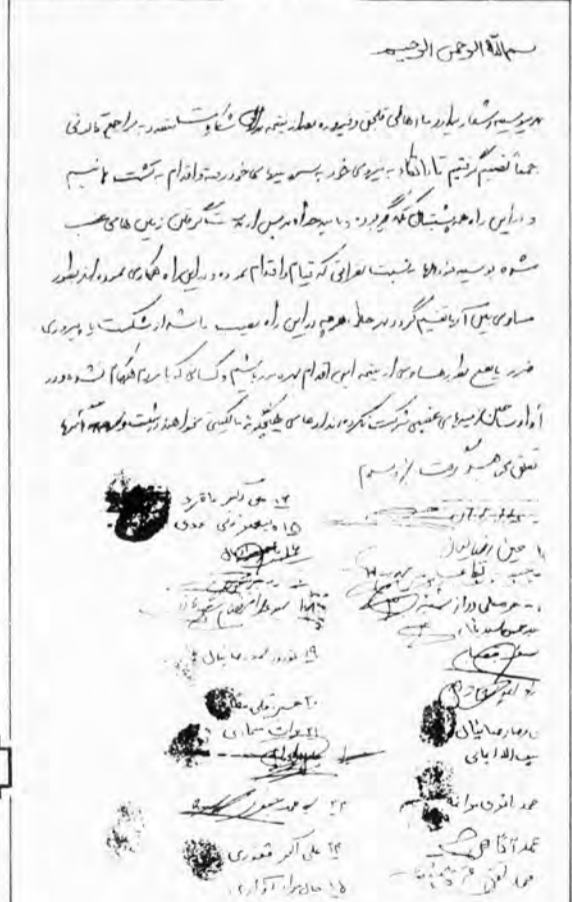
ساختن سیاسی ارتش خلق

ارتش خلق با تکیه بر شعور سیاسی نوده‌ها، نظام داوطلبی را برای سرپاگیری بر می‌گزیند. در واقع انضباط و دیسیپلین درون ارتش خلق، در عین آهنگین بودن، داوطلبانه و مختارانه است (بر خلاف دیسیپلین ارتش‌های ارجاعی که کورکورانه و مبتنی بر زور است). این ارتش در داخل خود از بسک روحیه وحدت‌گرا تبعیت می‌کند: وحدت میان سربازان و افسران، میان مافوق و مادون، میان کار نظامی و کار سیاسی، و ... لذا ارتش منظم (با سازمان یافته‌گی و انضباط وحشتناک میان سرباز و افسر وجود ندارد. غذای همه یکی است، از حیث حقوق و سایر امکانات

تعمیمات این شورا، با الهام از رهنمودهای امام جعفر صادق که می‌گوید: "الزرع للزارع ولو كان غاصبا" تصمیم به صادره و کشت زمین‌ها می‌گیرند.

وحشت فتودال‌ها از حرکت انتقالی روستائیان

مهمی و پناهی که دوش از فتودال‌های بزرگ این منطقه می‌باشند، پس از اطلاع از اقدامات انقلابی و ضد فتودالی روستائیان وحشت کرده بخاطر جلوگیری از گسترش این حرکت دهقانی که با استقبال سربازان در این منطقه روبرو شده بود، شروع به نوطه جینی می‌کنند. فتودال‌ها در تاریخ ۱/۲۶ در ساعت



شهادت خلیل مرادیان، روستائی آزاده و انقلابی در کنار کشاورزان زحمتکش روستای "قلجق". شعار آنها همچنان که در عکس مشاهده می‌کنید، اینست: الزرع للزارع ولو كان غاصبا.

نیز اختلافات ناچیز است. حق انتقاد برای همگان و به خصوص پائین‌ترین رده‌ها محفوظ است، و در انتصابات نیز مورد مشورت قرار می‌گیرند. معیار ترقی در ارتش خلق، صرفا تقوا و نیاقت است.

بدیهی است که وقتی ارتشی در درون خود چنین روابط مردمی‌ای داشته باشد، روابطش با نوده‌های مردم نیز خصیمه مردمی خواهد داشت. یعنی در خارج از خود نیز میان ارتش و خلق، ارتش و ارگان‌های دولتی، ارتش و حزب و ... وحدت حکمفرماست. در نتیجه این وحدت (یا دقیق‌تر: گرایش به وحدت) ارتش با خلق به طور فزاینده پیوند خورده و از خطر فساد ملیت‌پارسی نیز مصون می‌ماند.

مناسبات سالم و مردمی درون ارتش خلق، خود صامن انضباط درون جوش و آزادانگی است که در سراسر جنگ به منتهی ظهور می‌رسد و از اعتقاد عمیق تک‌انگه‌افراد این ارتش به هدف‌های سیاسی و عادلانه‌ی جنگ می‌جوید. همین جایستی نتیجه بگیریم که استقرار دیسیپلین

جنایت استوار فراری ارتش؛ در روستای قلجق

چه کسی مسئول پاسخگوئی به جنایات خوانین در منطقه‌ی شیروان است؟

۸ بعداز ظهر پس از جمع در یک خانه به عنوان مهمانی با نقشی از پیش تعیین شده نوطه قتل خلیل مرادیان را می‌ریزند. خلیل که از جوانان مبارز و فعال روستا بوده و نقی چشمگیری در جهت تشکیل شورای دهقانی و آگاه کردن روستائیان داشته، هدف این نوطه فرار می‌گردد. بدینال آن خلیل توسط یک استوار فراری ارتش تمام نمرالده بهادرانی به رگبار مسلسل بسته می‌شود. این فرد که زمان حکومت نظامی در قزوین در نیراندازی و سرکوب مردم عنصری فعال بوده پس از تمام بخاطر ترس از خشم مردم بهائیان منطقه فرار کرده و بعنوان عامل فتودال‌ها در منطقه به جان روستائیان می‌افتد. وی پس از قتل خلیل مرادیان به این مقدار بسده نکرده و سنه‌ی سه نفر دیگر از زحمتکشان این روستا بنامهای قربان مرادیان

انتظارات روستائیان

با وجود اعتراضات، شکایت‌ها و حتی خصص خانوادگی این چهار نفر، هنوز مشخص نیست چرا مقامات رسیدگی حدی به این امر نکرده‌اند. فتودال‌ها برای اینکه جلوی حرکت اهالی را بگیرند این باغی را در منطقه به جان روستائیان انداخته‌اند و کسی در این ناحیه امنیت و آسایش ندارد. روستائیان می‌گویند چرا



شهادت خلیل مرادیان، روستائی آزاده و انقلابی در کنار کشاورزان زحمتکش روستای "قلجق". شعار آنها همچنان که در عکس مشاهده می‌کنید، اینست: الزرع للزارع ولو كان غاصبا.

ارتش خلق، همانا انطباق و هماهنگی با هدف‌ها و خط مشی سیاسی است که جنگ وسیله‌ی تحقق آنها می‌باشد. یکی از انقلابیون معاصر می‌گوید: "اصل ما اینست که حزب باید بر تفنگ فرماندهی کند نه تفنگ بر حزب. به تفنگ هرگز نباید اجازه داد که بر حزب فرماندهی کند ... (حصر علی (ع) در خطبه‌ی ۱۵۰ در توصف بازارن بیاسر می‌گوید: "حملوا بحاکمهم علی ایاقهم". بنشین‌هایشان را بر سلاح‌های خویش حمل کردند ...)

ارتش خلق اهمیت مرکزی به خود می‌بخشد. در واقع "کار سیاسی، روح و روان ارتش خلق است" (حیاب). هدف کار سیاسی، آموزش، سیاسی شدن و ارتقاء دانشی آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک "کادرها و واحدهای جنگی رزمند است.

ارتش خلق بازوی اجرایی جنگ دراز مدت بوده‌ای است که به دلیل نفوذ سیاسی آن، توان ضعیف فنی و مادی نیروی خلق را بالا می‌برد و بر عکس، توان دشمن را که دارای

مقامات مسئول فکری به حال مانی - کنند. ما از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم بیاید این جانی را، این ساواکی را بگیرد و جناح به خواسته‌های ما رسیدگی شود محروم خودمان اقدام کنیم. تاکنون برای بدست آوردن زمین‌های کشاورزی خود چهار شهید داده‌ایم و نایدست آوردن حق خود دست از مبارزه بر - نخواهیم داشت. مادر خلیل مرادیان می‌گوید: "زمین‌های مردم را در زمان شاه تصرف کردند. روستائیان برای تأمین زندگی‌شان مجبور شدند از ده کوچ کنند، بروند به شهرهای دیگر به کارگری و عملگی بپردازند. بعد از انقلاب مردم انتظار داشتند زمین‌هایشان را پس بگیرند و به کشاورزی مشغول شوند و از آوارگی نجات پیدا کنند. به هر جا که می‌دانشند شکایت کردند اما به شکایت‌ها رسیدگی نشد آنها هم مجبور شدند دسه جمعی به سرزمین‌هایشان بروند و زمین‌هایشان را بکارند. بعد از یک هفته سروکله‌ی فتودال‌ها پیدا شد و در خانه‌ی غلام فهیمی جمع شدند و طرح نوطه را ریختند آنها پس جوانم را که سرپرست و نان آورخانه بود به شهادت رساندند. ما در ده خودمان امنیتی نداریم. ما از مسئولین خیلی انتظار داریم."

بقامات مسئول فکری به حال مانی - کنند. ما از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم بیاید این جانی را، این ساواکی را بگیرد و جناح به خواسته‌های ما رسیدگی شود محروم خودمان اقدام کنیم. تاکنون برای بدست آوردن زمین‌های کشاورزی خود چهار شهید داده‌ایم و نایدست آوردن حق خود دست از مبارزه بر - نخواهیم داشت. مادر خلیل مرادیان می‌گوید: "زمین‌های مردم را در زمان شاه تصرف کردند. روستائیان برای تأمین زندگی‌شان مجبور شدند از ده کوچ کنند، بروند به شهرهای دیگر به کارگری و عملگی بپردازند. بعد از انقلاب مردم انتظار داشتند زمین‌هایشان را پس بگیرند و به کشاورزی مشغول شوند و از آوارگی نجات پیدا کنند. به هر جا که می‌دانشند شکایت کردند اما به شکایت‌ها رسیدگی نشد آنها هم مجبور شدند دسه جمعی به سرزمین‌هایشان بروند و زمین‌هایشان را بکارند. بعد از یک هفته سروکله‌ی فتودال‌ها پیدا شد و در خانه‌ی غلام فهیمی جمع شدند و طرح نوطه را ریختند آنها پس جوانم را که سرپرست و نان آورخانه بود به شهادت رساندند. ما در ده خودمان امنیتی نداریم. ما از مسئولین خیلی انتظار داریم."

متمن تصمیمات متخذ در شورای دهقانی روستای قلجق و فیروزه

بسم الله الرحمن الرحيم بدوسيله اشعار می‌دارد ما اهالی قلجق و فیروزه بعد از نتیجه ندادن شکایات متعدد به مراجع قانونی جمعا "تصمیم گرفتیم تا با انکا، به نیروی خود به سرزمین‌های خود رفته و اقدام به کشت نمائیم و در این راه همه پشتیبان یکدیگر بوده و به امید خداوند پس از بدست گرفتن زمین‌های غصب شده بوسیله فتودال‌ها به نسبت نگرانی که قیام و اقدام نموده و در این راه همکاری نموده‌اند بطور مساوی بین آنها تقسیم گردد. به هر حال هرچه در این راه نصیب ما شد از شکست یا پیروزی، ضرر یا نفع بطور مساوی از نتیجه این اقدام بهره‌مند باشیم و کسانی که با مردم همگام نشده و در آزاد ساختن زمین‌های غصبی شرکت نکرده - اند، ادعای هیچگونه مالکیتی نخواهند داشت و سهمی به آنها تعلق نخواهد گرفت. والسلام امضا ۵۹ نفر اعضاء شرکت کننده در جلسه‌ی شورا

براستی چه کسی مسئول رسیدگی به جنایات خوانین و ایادی‌شان در این منطقه است؟ ما از مسئولین می - برسیم چه اقداماتی برای جلوگیری از آتوب و بلوا در روستاها انجام گرفته است؟ به نظر ما تا موقعی که با ریشه‌های اصلی درد مبارزه نشود هر روز شاهد این درگیری‌ها خواهیم بود. حل مسئله روستاها بستگی مستقیم به آن دارد که از طرف مسئولین تا چه حد در جهت تحقق خواست‌های اساسی روستائیان که مسئله زمین و آب است یا سلطه فتودال‌ها و مناسبات فتودالینه در روستاها مبارزه صورت



روستائیان تصمیم خود را بر احقاق حقوق از دست رفته‌شان گرفتند ... یکی دیگر از قربانیان جنایت خوانین دیده می‌شود.

ایران: ترکیه یا لبنان...؟

برادر مجاهد مسعود رجوی: یک عسده می خواهند ایران را ترکیه بکنند، ولی ایران که ترکیه پیشو، نیست. لبنان خواهد شد وما بگوئیم که در یک تجربهی لبنانی نیروهای انقلابی نیستند که بازنده‌های اصلی هستند.

با بررسی شرایط سیاسی ترکیه و لبنان، می‌توان دریافت که نتایج گسترش فعالیت‌های تروریستی علیه نیروهای انقلابی، بر حسب شرایط و زمینه‌های گوناگون، متغیر است. بارناب تروریسم در اوضاع سیاسی هر کدام از این کشورها (ترکیه و لبنان) نتایج نسبتاً معکوسی به بار آورده است.

در ترکیه، نیروهای ترقی و انقلابی اقلیت جدایی‌جو را برودار می‌سند و پایگاه تودهای شان هم ضعیف است. و مقابلاً "گروه‌های راستگرا و فاشیست، از قدرت زیادی برخوردارند و توانستند با تشکیل باندهای سیاه و تروریستی همچون گروه "گراک‌های خاکستری" و ... به شکار انقلابیون بپردازند. علاوه بر این وابستگی شدید سیاسی و اقتصادی ترکیه به امپریالیسم را نیز باید در نظر داشت. خصوصیت این کشور در پیمان امپریالیستی "ناٹو" و عقد موافقتنامه‌های دفاعی و نظامی با آمریکا و ... از مصادیق بارز این وابستگی هستند.

اما در لبنان برخلاف ترکیه، نیروهای انقلابی دارای آسپان قدرتی هستند که مانع حاکمیت جناح‌های راستگرا گردند. و نسبتاً "توسی تعادل قوا وجود دارد. قدرت این نیروها عمدتاً محاط وجود نیروهای فلسطینی می‌باشد. زیرا لبنان اهمیت بسیار زیادی برای آنها دارد، چرا که از یکسو در همسایگی خاک فلسطین اشغالی قرار گرفته و سوی دیگر، چند صد هزار فلسطینی آواره در این کشور بسر می‌برند. البته حضور این نیروها، گروه‌های ارتجاعی و راستگرا را به فعالیت بیشتری واداشتند. از جمله می‌توان به نیروهای "سعد حداد" اشاره کرد که در جنوب لبنان برای خود مرکز قدرتی موجود آوردند و به تقویت نیروهای فاشیست منطقه می‌پردازند. و علناً "در فکر تقسیم لبنان هستند. فالانژیست‌ها و دیگر نیروهای مرتجع نیز هر کدام برای خود حوروی نفوذی فراهم آورده‌اند. پایگاه تودهای فلسطینی‌ها و نیروهای انقلابی لبنان نیز مقابلاً "برای آنها مناطق نفوذی موجود آورده است. این عوامل کلاً باعث شده‌اند که دولت و ارگان‌های دولتی به ضعف شدیدی دچار شوند. استعفاهای پی‌درپی نخست وزیران که به علت نداشتن قدرت اجرایی انجام می‌گیرد، مؤید این نکته می‌باشد.

مقایسه شرایط ترکیه و لبنان با ایران، ما را به این واقعیت رهنمون می‌نماید که هرگاه عملیات تروریستی علیه نیروهای انقلابی رشد یافته، و سوسلیدی باندهای سیاه فاشیست به درگیری‌های مسلحانه دامن زده شود، بغلت پایگاه تودهای نیروهای انقلابی، شرایطی که ایجاد خواهد شد مسلماً "بسیار بدتر از شرایط سیاسی لبنان خواهد بود. و در این صورت بقول برادر مجاهد مسعود رجوی "... در یک تجربهی لبنانی، نیروهای انقلابی هستند که بارنده‌های اصلی هستند."

ترکیه

کیمهان (۳/۴) - در دور ۳۵ ایلالت ۶۷ ایلالت ترکیه برای مقابله با نظارهات دانشجویان حالت فوق‌العاده اعلام شد. خوست‌ها زمانی آغاز شد که پلیس در سراسر کشور دانش آموزانی را که برای گذراندن امتحان ورودی به دانشگاه آمده بودند مورد بازجویی و بازرسی قرار داده بود. در این درگیری - ها ۴ دانش آموز در آرمیر کشته و ۲۰ نفر دیگر زخمی شدند. از سوی دیگر به گزارش سازمان عفو بین‌المللی، شکنجهی زندانیان در ترکیه روز بروز افزایش می‌یابد و شکنجه‌گران از تلاق و کابل الکتریکی استفاده می‌کنند.

نامداد (۳/۱۱) - در سحالی که بدینال کشته شدن معاون حزب دسراسری تپهت ملی ترکیه در آنکارا ایجاد شد، اکنون حداقل ۲۷ نفر کشته - شده‌اند. به موجب آخرین خبرها در درگیری‌های روز جمعه حداقل هفت نفر کشته شده‌اند. روز جمعه هنگام مراسم تسبیح جنازه‌ی وی میت از ۵۰۰۰۰ دست راستی افراطی ترک در حالیکه بطور بی‌سابقه‌ی توسط پلیس محافظت می‌شدند، شرکت کردند. این بزرگترین نمایش قدرت راست - گراان افراطی در سال‌های اخیر بوده‌است. در درگیری‌هایی که

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

شلاق، مجازات پخش اعلامیه‌های غیراسلامی!

خود قانونگذار و مفسر قانون شده‌اند سوال کرد که معیار اسلامی بودن و غیر اسلامی بودن از نظر شما چیست؟ ملاک انحرافی بودن را چه می‌دانید؟ ثانیاً آیا از نظر حضرات مگر قانون جمهوری اسلامی خلاف قانون شرع مقدس اسلام است؟ اگر نه، چگونه‌است که برخلاف قانون اساسی برای یکجرم سیاسی (البته بزعم شما) مجازات شلاق آن هم در مابین و انتظار عمومی راحتوبز می‌فرمائید.

فراموش نکنند که هنوز مدت زیادی از آزادی مردم، از ظلم و ستم حکومتی که جوانان عبور و انقلابی این میهن را به جرم بخت و یادداشتن اعلامیه‌های مضره!! به تحت شلاق می‌بندند نگذشته و مردم ما هنوز به خوبی آن خاطره‌ها را به یاد دارند.

شاه هم می‌خواست

جلوی فعالیت مجاهدین را بگیرد.

آقای احمدی، جلوگیری از فعالیت مجاهدین تنها خواست شما نیست بلکه بیس از همه خواست آمریکای جهانخوار است. البته در جواب شما باید بگویم شاه هم می‌خواست جلوی فعالیت مجاهدین را بگیرد ولی نتوانست. برای شما و اسانل ما هم، این گوی و این مسدان.

امام جمعه‌ی بابل

خواندن یک نشریه‌ی صدام انقلابی را توصیه می‌کند!

۳/۲۶: هادی روحانی امام جمعه‌ی بابل ضمن یک سخنرانی گفت: "در مقابل نشریه‌هایی که بیس می‌زنند، فوراً برادران ما کرد آمدند، مقاله به مثل کردند! یک نشریه به نام منافق تنظیم کردند مقدری عالی، مقدری عالی است، من عقیده‌ام این

هشدار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گران طی اطلاعیه‌ای به مسئولین امر در مورد عملکردهای غیر انقلابی و سازکارانه‌ی بعضی ارگان‌های مسئول در برخورد با عناصر مزدور رژیم سابق، ساواکی‌ها، فتودال‌ها و سرمایه‌داران وابسته هشدار داد. ما ضمن اعلام اینکه همواره از عملکردهای انقلابی و مردمی برادران سپاه پاسداری که عسوف خود را از نفوذ

شورا که بعنوان مشاور دولت عمل می‌کند، حکومت نظامی را به مدت دو ماه دیگر در بیست ایلالت بحران زده‌ی ترکیه تمدید کند.

لبنان

آو سسندیرس (۵۸/۱۲/۴) - امروز در بردگی اوسل (سیر جمال) فرماندهی بخش نظامی حزب فالانژیست لبنان، بمی متفجر شد که منجر به کشته شدن ۱۴ نفر گردید. تقریباً همزمان با این حادثه، در قسمت مسلمان نشین غرب بیروت افراد مسلح ارتش جب‌گرای عرب لبنان، بازنده سرباز ارتش لبنان را ربودند. در این حادثه یک جب‌گرا کشته شد.

روسیر (۵۸/۱۲/۱۱) - یکمده‌ی منابع امنیتی، آتوب‌های کشته برحای گذارد در حالیکه این رقم در ماه راجوبه حدود ۵۰ نفر بود. از قرار معلوم، ۶۰ س

محمومین و همچنین مبارزه‌ی قاطع با عناصر رژیم سابق از قیل ساواکی‌ها و فتودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و عناصر ضد انقلاب دیگر بود از طرفی دیگر چگونه ممکن است بدون مبارزه‌ی قاطع با عناصر رژیم سابق (مثل صادریه‌ی اموال سرمایه‌داران بزرگ، ملاکین و فتودال‌ها) حقوق مستضعفین و زاعنه‌نشین‌ها و غیره را به آنها باز گرداند. مگرامام علی (ع) در روزهای اول خلافتش فریاد نمی‌زد که والله قسم اگر از مال بیت‌المال در زمان رژیم سابق در کابین زنه‌نشان باشد آن را به خزانه‌ی بیت المال آورده و به مسحفتن می‌دهم؟ مگر این سرمایه‌داران بزرگ، ملاکین و فتودال‌های زمین‌خوار از راه‌های غیر- مشروع و ناپاک، صاحب این همه امکانات مادی شده‌اند؟ مگر همین‌ها کم با رژیم خاش پهلوی همکاری و دوسی‌های نزدیک داشتند؟ پس چرا نباید از آنها به زور گرفت؟

... چرا تا بعد از ۸ ماه از پیروزی انقلاب لانه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران مشغول بوطنه بودی مسئولین امر غافل بودند؟ چرا این قدر به ساواکی‌ها رو دادند که تا کنال بی- ترمی در یک روز معین تعدادی از

برگزاری نمایشگاه کتاب

بدمناسبت بزرگداشت دکنر شریعی!!

سها یک عدد!! از کتاب‌های دکنر شریعی (علی بنایگذار مکتب، وحدت، عدالت) و در عوض نمایی کتاب ضد مجاهد و ماصطلاح افکارهای برجمنین به نمایش طالب توجه است که در این نمایشگاه

بلگرام شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون

بدد فسر ریاست جمهوری

سجد سلیمان: شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون سجد سلیمان طی لنگرامی به دفتر ریاست جمهوری، شورای انقلاب، استانداری خوزستان و ... اظهار داشته‌اند که: پس از ۸۰۰۰ نفریکار در این شهر هست که فقط ترک پرسیزیون بواسطه کار مساعده نمود، دست به یک عمل قاطع خواهیم زد و عوانت بعدی آن معده‌ی محرتان ماوس و متولین امر می‌باشد. والسلام شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون - سجد سلیمان ۵۹/۳/۲۸

تصحیح و پوزش:

در مجاهد شماره‌ی ۹۲ (پنجشنبه ۵۹/۳/۲۹) صفحه‌ی ۲ - حبری درج شده که عنوان صحیح آن چنین بوده است: "استعفا‌ی کارکنان شورای عالی اسکان کونستان جنوب تهران" ولی در هنگام چاپ متأسفانه کلمه‌ی "کارکنان" از عنوان خبر حذف شده است که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

از این افراد بدینال برخورد‌هایی که میان نیروی بازدارنده‌ی عرب سوریه و شبه‌نظامیان فالانژی در شمال لبنان رخ داد، جان خود را از دست دادند. و نیز بدینال نبرد یوخانه میان شبه‌نظامیان راستگرای مستقر در جنوب لبنان که از حمایت اسرائیل برخوردارند و نیروهای متحد فلسطینی حب گرا، ۷ س کشته شدند.

یوناسندیرس (۲/۲۳) - براساس گزارش پلیس لبنان، به دنبال زدو خورد‌هایی که بین گروه‌های رقب دسججی و دستراسی در شمال شرقی بیروت بر سر صاحب مناطق اسرا بزرگ روی داد، هشت نفر کشته و شانزده نفر زخمی شدند.

آوسندیرس (۳/۵) - گروه‌های مسلحان رقب دیروز در بیروت و سپرها‌ی جنوبی لبنان با خمبار و مسلسل در این جان هم افتادند. در این درگیری که بعد از سال ۱۹۷۶ تا کنون بزرگترین نبرد گروه‌های مسلحان و رقب بود، حداقل

۱۹ نفر کشته شده‌اند. نیروهای طرفین مساحصم در بخشهای فقیرنشین بیروت دست به ساززه به شکل حمله و فرار زدند که ساعت آن هزاران خانوادگی سلبان در بیروت مجبور شدند که به پناهگاه‌های آوارگان پناه بیروند.

نامداد (۳/۶)، روز گذشته در اثر انفجار گلوله‌های نوب در منطقه‌ی ماورون در شمال لبنان، حداقل پنج نفر کشته و ۱۳ نفر زخمی شدند. رادیو فالانژیست‌ها، نیروهای شبه نظامی هوادار سلیمان فرجه رئیس جمهوری پیشین لبنان را منبهم به این سیراندازی کرد.

خبرگزاری فرانسه (۱۷/۳)، دیروز رسماً در بیروت اعلام شد "تسليم الحص" نخست وزیر لبنان، استعفا‌ی کابینه‌ی خود را تسلیم الیاس سرکیس رئیس جمهوری این کشور کرد. ناظران معتقدند یافتن یک نخست وزیر جدید برای لبنان

کار ساده‌ای نیست. در طول هفته گذشته جلسات پی‌درپی برای تشکیل یک کابینه‌ی وحدت ملی به سیجهای برسد‌است. هموز هیچ باوقتی بر سر اینکه چه کسانی در دولت آینده‌ی لبنان شرکت خواهند کرد انجام شده است. تشکیل یک کابینه‌ی وحدت ملی مستلزم مبارکت سام نیروهای بزرگ سیاسی کشور است.

از علاقمندان تکلف می‌شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره‌ی ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره‌ی ۶۴/۱۵۵۱